انترناسیونال ٧٣٩

اصغر کریمی

**پیامدهای سیاسی زلزله**

**در اطلاعیه حزب گفته بودیم که زلزله یک حادثه طبیعی است، اما تلفات زلزله و خسارات آن طبیعی نیست و مستقیما به نظام حاکم، به مناسبات اقتصادی و به حکومت و به میزان رفاه و فقر مردم و هزینه ای که صرف زیر سازی مناطق مسکونی و پیشگیریها و خانه های مردم و تاسیساتی مثل بیمارستان ها و مدارس و غیره شده است، مربوط میشود. اما اگر عامل تلفات زلزله اقتصادی و سیاسی است و به دولت و سیستم حاکم مربوط است، باید انتظار داشت که پیامد سیاسی هم داشته باشد.**

**زلزله های چند دهه گذشته در ایران همگی تاثیرات سیاسی مشهودی بر جامعه و فضای اعتراضی گذاشته است، اما تاثیرات سیاسی زلزله ۲۱ آبان در غرب ایران، با همه زلزله های تاکنونی متفاوت بوده است. زلزله ده روز قبل در ایران به راستی جامعه را تکان داد و در مقیاسی وسیع و بیسابقه در دفاع از زلزله زدگان به حرکت درآورد. این یک اتفاق سیاسی مهم در ایران بود که اثرات عمیقی بر جامعه و موقعیت جنبش آزادیخواهانه مردم گذاشت.**

**روحانی در سخنرانی اش در سر پل ذهاب گفت که ابتدا همت شما مردم بود که به داد زلزله زدگان رسید و همینکه در جمله بعد خواست اسم از سپاه و ارتش بیاورد مردم او را هو کردند بطوری که میکروفون شبکه خبر از مقابلش برداشته شد و سخنرانی او برای دقایقی قطع شد. چنان ابعاد حمایت مردمی از همان روزهای اول وسیع و سریع بود که رئیس دولت اسلامی را وادار کرد نقش سپاه و دولت و غیره را در حاشیه نقش مردم قرار دهد. از شهرهای کردستان تا شهرهای مختلف کشور، از دانشجویان تا معلمان، از تشکل های کارگری تا نهادهای مختلف دفاع از حقوق کودک و محیط زیست و کانون نویسندگان و انواع نهادها و برخی از چهره های شناخته شده شروع به جمع آوری کمک مالی و صدور بیانیه های پشتیبانی و فراخوان به مردم کردند. در برخی مجتمع های ساختمانی در تهران مردم برای جمع آوری کمک چادر زدند، برخی مراکز کارگری شروع به جمع آوری کمک کردند، دستفروشان تهران و کولبران کردستان خود را در این حرکت مردمی سهیم کردند، تیم های مختلف پزشکی و انواع تیم های دیگر روانه مناطق زلزله زده شدند و در سراسر کشور جنب و جوشی وسیع شکل گرفت و کاروان های طولانی از وسایل نقلیه بطرف غرب کشور به راه افتاد. مرکز ثقل این حرکت در شهرهای کردستان بود که مردم سنگ تمام گذاشتند. تصاویر کاروان های طولانی از کمک های مردم در مسیر شهرهای زلزله زده نشان میدهد که چه حرکت توده ای عظیمی در سراسر کردستان شکل گرفته است. پذیرایی مردم از رانندگانی که به مناطق زلزله زده حرکت میکردند و گرامیداشت راننده ای که در این مسیر جانش را از دست داده بود، گوشه ای از این حرکت توده ای بود. و همه اینها در حالی صورت گرفت و همچنان صورت میگیرد که رژیم تا توانست در مقابل مردم سنگ اندازی کرد، راه ها را بلوکه کرد، هر جا توانست کمک های مردم را مصادره کرد که همراه با آخوندهای اعزامی از تهران به مناطق زلزله زده بفرستد تا از مردم عقب نیفتد!** حضور خامنه ای و روحانی تا فرمانده سپاه پاسداران و برخی وزرا و مقامات فعلی و سابق حکومت در منطقه زلزله زده، گوشه دیگری از تلاش حکومت برای نشان دادن خود به مردم بود و در عین حال ناشی از رقابت باندهای حکومتی در مقابل یکدیگر که از هم عقب نیفتند. به موازات این سعی کردند تصویری از دزدی و غارت توسط مردم بدهند، اما حرکت انساندوستانه مردم قدرتمندتر از این حرف ها بود که این تبلیغات خبیث حکومتی خدشه ای بر آن ایجاد کند. اینهم دو روز بیشتر طول نکشید، جرات ادامه این تبلیغات را هم نیافتند. ابعاد حمایت مردم چنان وسیع و توده ای بود و حمایت زلزله زدگان از آنها چنان گرم و صمیمانه بود که علیرغم حضور گسترده لشگر سرکوب حکومت در منطقه، هزاران نفر خود را به زلزله زدگان رساندند و شروع به کمک رسانی کردند.

در دل این حرکت بزرگ اجتماعی، گذشته از تعمیق همبستگی در میان بخش های مختلف مردم رابطه وسیعی میان فعالین دانشجویی و فعالین اجتماعی با مردم چه در مناطق زلزله زده و چه در مراکز جمع آوری کمک ایجاد شد و شبکه های مختلفی از فعالین اجتماعی شکل گرفت و مردم را در موقعیت بهتری برای ادامه مبارزه قرار داد.

در ابتدا اشاره کردم که زلزله های چند دهه گذشته تاثیرات قابل توجهی بر جامعه گذاشته است اما اینبار سه عامل تاثیرات سیاسی این زلزله را با موارد قبلی متمایز ساخت. اولا زلزله در منطقه ای اتفاق افتاد که فضایی شدیدا سیاسی و انزوای عمیق حکومت سابقه ای قدیمی دارد. ثانیا استفاده از مدیای اجتماعی نقشی به مراتب گسترده تر از سالهای گذشته دارد و در جریان این زلزله نیز نقش تعیین کننده ای داشت. حتی برخی رسانه های حکومتی به این مساله اذعان کردند. اطلاع رسانی از نقاط مختلف زلزله زده و نیازهای مردم بلافاصله توسط مردمی که مشغول کمک بودند به میلیون ها نفر اطلاع داده شد. بی تحرکی حکومت و تحرک وسیع مردم هر لحظه با کلیپ های مختلف، سریع و زنده در سطح جامعه منعکس شد و رژیم را بشدت در منگنه گذاشت. مدیای اجتماعی نقشی مهم در به حرکت درآوردن مردم داشت. و بالاخره اینکه زلزله اینبار در زمانی اتفاق افتاد که جنب و جوش سیاسی وسیع و قدرتمندی در ایران در جریان است. همبستگی بیشتری در میان مردم بوجود آمده، فضای چپ در جنبش های اعتراضی منسجم تر از همیشه است، شور و علاقه زیادی برای متشکل شدن در ابعادی نسبتا وسیع ایجاد شده، حکومت در مقابل مردم ناتوان تر است و مردم خود را در موقعیت بهتری در مقابل حکومت میبینند. همه این فاکتورها در ده روز گذشته عمیق تر شد. زلزله خسارت انسانی و اقتصادی سنگینی برای صدها هزار نفر از مردم بجا گذاشت، اما همبستگی شکوهمند و عمیقی میان مردم ایجاد کرد. حکومت را بی آبروتر، منزوی تر و ضعیف تر و مردم را متحدتر و یکپارچه تر و آماده تر ساخت.

مشکلات مردم اما ادامه دارد. نه تنها نیازهای فوری مردم به مواد غذایی و پوشاک و چادر و امکانات درمانی و بهداشتی مساله ای ادامه دار است، بلکه همچنین دهها هزار خانه فروریخته و مدارس و بیمارستان ها ویران شده اند. مردم کار و محل درآمد خود را از دست داده اند. دولت لطف کرده! و ۲۸۰ میلیارد تومان (کمتر از ۷۰ میلیون دلار) به زلزله اختصاص داده است که با این پول یک دهم خانه های ویران شده هم بازسازی نمیشود. مردم همچنان به تامین نیازهای اولیه زلزله زدگان کمک میکنند و باید همچنان این حرکت انسانی را سازمان داد، اما تمام امکانات اقتصادی در دست دولت قبضه شده و باید فشار بیشتری علیه حکومت برای تامین نیازهای فوری و درات مدت مردم در دستور جامعه قرار گیرد. مسکن مردم باید با استاندارد بالایی تامین شود و تا مقطعی که مردم مسکن ندارند باید بلافاصله در هتل ها و خانه های خالی سازمان داده شوند و نیازهای زندگی آنان تا زمانی که به کار و زندگی خود بازمیگردند، تامین شود. مداوای مصدومین باید با بهترین امکانات موجود صورت گیرد، خسارات اقتصادی مردم از وسایل زندگی تا دام هایی که از بین رفته است باید توسط دولت جبران شود. محصلان باید بلافاصله امکان ادامه تحصیل در مدارس امن داشته باشند، بیمارستان ها باید ساخته شوند، ساکنان مسکن مهر که همه چیزشان را از دست داده اند و مفتخوران برای مخروبه های بجا مانده از آنها قسط میخواهند باید هم از اقساط رها شوند و هم مسکن مناسب در اختیارشان قرار داده شود و دهها نیاز دیگر مردم احتیاج به بودجه کافی دارد که مردم از پس آن بر نمیایند. دولت باید از خزانه ای که خود حاصل کار و تلاش مردم است کلیه نیازهای زلزله زدگان را برطرف کند. از هزینه مساجد و گله آخوند میزنند یا از هزینه امامزاده ها و مدارس علمیه یا از هزینه ای که صرف گسترش تروریسم در یمن و سوریه و عراق و لبنان میکنند یا از مصادره میلیاردها دلاری که توسط آیت الله ها و مقامات و نورچشمی ها دزدیده شده و یا از هزینه ارگان های سرکوب حکومت، تفاوتی نمیکند مساله این است که پول و امکانات به حد کافی هست و باید صرف نیاز مردم شود. اینرا میتوان به حکومت تحمیل کرد. باید کل نیازهای مردم تامین شود و باید بلافاصله تامین شود. باید حکومت را وادار کرد تا تامین تک تک اقلام مورد نیاز مردم را بعهده بگیرد و بودجه ای که صرف هر کدام از اینها میشود را اعلام کند. بعلاوه باید حکومت را وادار کرد تا تمام موانع کمک رسانی و تماس با زلزله زدگان را از بین ببرد و کوچکترین مانعی در مقابل موج کمک رسانی مردم ایجاد نکند، برعکس باید وسیعترین امکانات را برای مردم فراهم کند. مردم در شرایطی هستند که قادرند این خواست ها را به دولت تحمیل کنند. باید روی این تمرکز کرد و با کمپین های فشرده سیاسی اینرا به هردرجه ای که ممکن است به دولت تحمیل کرد.

اجازه بدهید به چند نکته مهم دیگر نیز اشاره کنم. حضور رهبران کارگری و چهره های شناخته شده آزادیخواه در این حرکت مردمی حیاتی است. صدها چهره باید جلو بیاید و صدها شبکه باید توسط آنها ساخته شود. این فرصتی است که چهره های مردمی و تشکل های مختلف میتوانند موقعیت و نفوذ خود را در جامعه در ابعادی وسیع گسترش دهند. هرگونه تعللی در این زمینه یک خطای سیاسی فاحش است.

حرکت مردم در جریان این زلزله ادامه حرکت سرنگونی طلبانه مردم است که ریشه در اعماق جامعه دارد و مدام در حال تعمیق، گسترش و سازمانیابی است. تحرک مردم نه تنها جنبه عمیق انساندوستانه دارد، بلکه جنبه مهم سیاسی نیز دارد و یک تودهنی بزرگ به حکومت اسلامی و یک قدرتنمایی علیه آن است.

در مقابل تصویری که حکومت و اپوزیسیون ناسیونالیست و سرخوردگان سیاسی از جامعه میدهند، تحرک اخیر مردم تصویری واقعی از جامعه ایران است که پویایی، آگاهی، همبستگی انسانی و سیاسی و امیدواری عمیق به رهایی را به نمایش میگذارد. این حرکت را باید ادامه داد، وسعت بیشتری داد، توده ای تر کرد و تمرکز را بر سازمانیابی نه تنها در زمینه کمک رسانی به زلزله زدگان، بلکه سازمانیابی در زمینه های مختلف گذاشت. شرایط برای سازماندهی توده ای و حزبی بیش از هر زمان به همت خود مردم فراهم شده است. نیروی انسانی وسیعی به تحرک درآمده است، استفاده از مدیای اجتماعی برای شکل دادن به کمپین ها و تشکل های مختلف وسعت شگرفی گرفته است، مردم به قدرت خود بیش از هر زمان پی برده اند، آگاهی سیاسی مردم بطور چشمگیری افزایش یافته است، حکومت در مقابل خشم و اعتراض مردم از همیشه ناتوان تر، درمانده تر و بی افق تر است. در چنین موقعیتی فعالین سیاسی و اجتماعی، فعالین کارگری و رهبران معلمان و بازنشستگان، فعالین دانشجویی و نهادها و تشکل های مردمی باید گام های بلندتری بطرف سازماندهی بردارند، خواست های خود، خواست های زلزله زدگان و خواست های عمومی جامعه را با قدرت بیشتری بیان کنند و حکومت را بیش از پیش در منگنه بگذارند. راه اندازی یک گفتمان روشن در شرایط کنونی و حول مختصات این شرایط و رئوس وظایف پیش رو، و از جمله شکل دادن به گفتمان تحزب و روی آوری به حزب سیاسی، خود لازمه پیشروی و تثبیت پیشروی است. با تمام قوا برای یک تکان سیاسی عظیم آماده شویم.